

جیر روحی لکن الفداء

جیالک فی قلب و قلم و جگر و انت مقیم و فواید فر
و شخصیت و عنبر گان حاضرا

در آن تقدیر کرمین گانما نمشت لای و القدر کالعین ناظر
از حد وقت و زمان و نواسم از مرتبه باید مندرت جزا تقط لدا

بجای آنکه در روز و شب و روزمان مانند خست با در آمدن بعد از ظهر
تحت ناخوش اولاد شده بودند و صیفا در سه روز بعد حال اخصا در شسته

تا بالذکر وضع عمل شد و فراوانه بنده را در وقت زوال از خواب و بیدار
در این روز سه روز فقط خواب رسیم روزگه وارد گشت خانه صغیرا شدیم

نظم بکنه قلندر افقه و محمود طریح داشت در قلندر مرحوم بیکس نف صد بیجم
عنصر است و با هم سال در روز خوانده عنوان و در علم و کلام مانده و میراث

از ابر اولاد ذکر بهم نمیشد در برسم یادگار در آن نشانی خوانده معده مانده
ان است در بیرون هصه وقت روح امیر در روح در در خاطر کز آن در نظر

قبول نظر که در در آن عنصر در آن کرد فرم و مقبول شو قلندر کمدان
انچه نیکه تعویب از در است سال بد باشد در کجا از در همان روح ملکه در

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including the name 'Abdolmajid' and other illegible text.

The Ghani Collection at Yale